



Measuring the Social Sustainability Improvement Factors in Regeneration of Distressed Urban Areas (A Comparative Study of Historical and Marginal Context in Ardabil City)

ARTICLE INFO

Article Type

Original Research

Authors

Javan Majidi J.*¹ MSc,
Masoud M.¹ PhD,
Motallebi Gh.² PhD

How to cite this article

Javan Majidi J, Masoud M, Motallebi Gh. Measuring the Social Sustainability Improvement Factors in Regeneration of Distressed Urban Areas (A Comparative Study of Historical and Marginal Context in Ardabil City). Naqshejahan- Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning. 2020;10(1):33-42.

¹Department of Urban Design, Faculty of Architecture and Urban Design, Isfahan University of Art, Isfahan, Iran

²School of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran

*Correspondence

Address: Faculty of Architecture and Urban Design, Isfahan University of Art, Ostandari Street, Isfahan, Iran.
Postal Code: 8146834615.
Phone: -
Fax: -
javan.majidi@gmail.com

Article History

Received: June 10, 2019

Accepted: September 17, 2019

ePublished: June 20, 2020

ABSTRACT

Aims The purpose of this study is to measure the level of social sustainability in distressed urban areas and explain its components in the historical and marginal context of Ardabil as two examples of distressed urban areas.

Methods The data were collected by library method and questionnaire in 2018 and analyzed by one-sample t-test, factor analysis and regression analysis. The sample consisted of 200 inhabitants of historical texture and 200 inhabitants of marginal context who were sampled by cluster sampling method.

Findings The components of social sustainability in both studied areas were inadequate. However, the marginal context was worse than historical area. Based on the results of factor analysis, factors that contribute to the improvement of social sustainability are in the subset of the four main factors, which together explain 63% to 68% of variance of the social sustainability as dependent variable. Also the effect of various factors in each area was significantly different. As, the most important factor affecting social sustainability in the historical context is the social capital that explained by variables such as social participation, social interactions, social trust, and collective identity. In contrast, the most important factor affecting social sustainability in marginalized area is the availability of amenities and infrastructural facilities that are explained by variables such as housing quality, security and access to public services.

Conclusion The final result was that the existence of intrinsic differences between historical and marginal context requires the development of separate regeneration schemes for each context in accordance with their characteristics.

Keywords Social Sustainability; Regeneration; Distressed Urban Areas; Ardebil

CITATION LINKS

[1] Sustainable regeneration urban distressed area ... [2] Urban restoration ... [3] Drawing up some indexes to recognizing ... [4] Social sustainability in urban regeneration ... [5] What do we understand by a sustainable urban ... [6] Urban regeneration & social sustainability ... [7] Urban regeneration and impact assessment ... [8] The social dimension of sustainable development ... [9] The social sustainability of cities ... [10] Assessing the sustainability of residential neighborhoods ... [11] Urban new faces of Ardebil province required ... [12] Present architectural design patterns of ... [13] Investigating the role of indicators of sustainable ... [14] Recovering and preserving the identity ... [15] The marginalization and its role in the development ... [16] Social sustainability and urban mobility ... [17] Sustainable development of urban River Valley ... [18] Urban renewal approaches and policies ... [19] The evolution, definition and purpose ... [20] Role of cultural landscapes regeneration ... [21] Measuring the improvement of social sustainability ... [22] Measuring social sustainability in dispersed ... [23] Quantitative indicators for social sustainability ... [24] Evaluating social sustainability in historic ... [25] Social sustainability as a challenge for ... [26] A solution for designing the interventions ... [27] Measuring the sustainability level of Ardebil ... [28] Study and test urban social sustainability ... [29] The role of social capital in the development ... [30] A review of exploratory factor analysis ... [31] The role of social capital on the participation ... [32] Identifying the factors affecting social-spatial ... [33] Analysis and evaluation of social sustainability ... [34] Evaluating social sustainability in historic ... [35] Explaining the pattern of integrated management ... [36] Analysis of inter-institutional relationships ... [37] Explanation the pattern of culture-led regeneration ... [38] Institutional challenges in sustainable urban ...

سنجش عوامل بهبود پایداری اجتماعی در بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد شهری (مطالعه تطبیقی بافت تاریخی و حاشیه‌نشین شهر اردبیل)

جواد جوان مجیدی* MSC

گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

محمد مسعود PhD

گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

قاسم مطلبی PhD

دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

اهداف: هدف از پژوهش حاضر، سنجش میزان پایداری اجتماعی در بافت‌های ناکارآمد شهری و تبیین مولفه‌های آن در بافت تاریخی و حاشیه‌نشین شهر اردبیل به مثابه دو نمونه از بافت‌های ناکارآمد شهری است.

روش‌ها: داده‌های پژوهش در سال ۱۳۹۷ با روش کتابخانه‌ای و پرسش‌نامه گردآوری شد و با روش T تک‌نمونه، تحلیل عاملی و تحلیل رگرسیون، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نمونه مورد بررسی شامل ۲۰۰ نفر از ساکنان بافت تاریخی و ۲۰۰ نفر از ساکنان بافت حاشیه‌نشین شهر اردبیل بود که به روش خوشه‌ای نمونه‌گیری شدند.

یافته‌ها: مولفه‌های پایداری اجتماعی در هر دو بافت مورد مطالعه، وضعیت نامناسبی دارد. با این حال، بافت حاشیه‌نشین نسبت به بافت تاریخی دارای وضعیت نامناسب‌تری بود. براساس نتایج تحلیل عاملی، عوامل بهبود پایداری اجتماعی در زیرمجموعه چهار عامل اصلی قرار می‌گیرند که این چهار عامل در مجموع ۶۳ تا ۶۸٪ واریانس متغیر وابسته یعنی پایداری اجتماعی را تبیین می‌کنند. همچنین اثرگذاری عوامل در هر یک از پهنه‌ها به‌طور معنی‌داری متفاوت بود. به‌طوری‌که مهم‌ترین عامل مؤثر بر پایداری اجتماعی در بافت تاریخی، عامل سرمایه اجتماعی است که توسط متغیرهایی مانند مشارکت اجتماعی، تعاملات اجتماعی، اعتماد اجتماعی و هویت جمعی توضیح داده می‌شود. در مقابل، مهم‌ترین عامل مؤثر بر پایداری اجتماعی در بافت حاشیه‌نشین، برخورداری از امکانات رفاهی- زیرساختی است که توسط متغیرهایی مانند کیفیت مسکن، امنیت و دسترسی به خدمات عمومی تبیین می‌شود.

نتیجه‌گیری: نتیجه نهایی این بود که وجود تفاوت‌های ذاتی بین بافت‌های تاریخی و حاشیه‌نشین، لزوم تدوین طرح‌های بازآفرینی جداگانه را برای هر یک، متناسب با ویژگی‌های آنها می‌طلبد.

کلیدواژه‌ها: پایداری اجتماعی، بازآفرینی، بافت‌های ناکارآمد، اردبیل

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۶

*نویسنده مسئول: javan.majidi@gmail.com

مقدمه

بافت‌های ناکارآمد شهری، پهنه‌هایی هستند که در مقایسه با سایر پهنه‌های شهری از جریان توسعه عقب افتاده و به کانون نارسایی‌ها و مشکلات شهری تبدیل شده‌اند^[1]. این بافت‌ها از نظر فضایی، به سه دسته بافت‌های دارای میراث شهری، بافت‌های بدون میراث

شهری و بافت‌های حاشیه‌ای (سکونتگاه‌های غیررسمی) تقسیم می‌شوند^[2]. بر این اساس پهنه‌هایی مانند بافت‌های فرسوده، بافت‌های تاریخی، سکونتگاه‌های غیررسمی و بافت‌های دارای هسته روستایی همگی جزو بافت‌های ناکارآمد محسوب می‌شوند^[3]. بافت‌های ناکارآمد به دلیل فقر ساکنان و مالکان آنها، امکان نوسازی خودبه‌خودی را نداشته و نیز سرمایه‌گذاران انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری در آنها ندارند^[1]. از این رو سیاست‌های مداخله در این بافت‌ها به موضوع بااهمیتی در سال‌های اخیر تبدیل شده است؛ به‌ویژه آن که سکونت بیش از یک‌چهارم جمعیت شهری کشور در محدوده بافت‌های ناکارآمد شهری^[1]، ضرورت برنامه‌ریزی برای این پهنه‌ها را بیش از پیش نشان می‌دهد.

در حال حاضر از بارزترین مشکلات بافت‌های ناکارآمد شهری، ناپایداری اجتماعی آنهاست که روند جمعیت‌پذیری، ماندگاری ساکنان و الگوهای سکونت و اشتغال را در این بافت‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همین دلیل سیاست‌های مداخله در بافت‌های ناکارآمد، به سمت هپموشانی و ادغام‌شدن با رویکردهای پایداری اجتماعی سوق پیدا کرده‌اند که نمونه بارز آن، تهیه طرح‌های بازآفرینی برای بافت‌های ناکارآمد شهری است. در واقع بازآفرینی شهری حاصل تغییر رویکردهای برنامه‌ریزی از نگاه صرفاً کالبدی به سوی نگاه اجتماعی‌تر است و رسیدن به پایداری در سه بعد اصلی آن یعنی بعد اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی، رکن اصلی رویکرد بازآفرینی و هدف نهایی آن است^[4-7].

در میان صاحب‌نظران اتفاق نظر وجود دارد که پایداری اجتماعی، مقوله‌ای محلی است و بایستی در سطح جوامع محلی کوچک‌مقیاس مورد توجه قرار گیرد^[6, 8, 9]. در رویکردهای متاخر پایداری اجتماعی، هر یک از بافت‌ها و محله‌های شهری به‌عنوان جوامعی منحصر به فرد دیده می‌شوند که دارای چالش‌ها و مشکلات خاص خود هستند. با این حال، طرح‌های بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد، نگاه کلان‌تری نسبت به این بافت‌ها دارند. اینجاست که چالشی جدی در خصوص نحوه ادغام پایداری اجتماعی در فرآیند بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد پدید می‌آید، زیرا پایداری اجتماعی، موضوعی نیست که بتوان آن را براساس یک نسخه واحد در تمام شهرها تحقق بخشید؛ در حالی که طرح‌های بازآفرینی حداقل در داخل کشور، برای تمامی بافت‌های ناکارآمد با شرح خدمات یکسانی تهیه می‌شوند. بنابراین نیاز به پژوهش‌هایی است تا از طریق سنجش پایداری اجتماعی و مقایسه مولفه‌های تبیین‌کننده آن در هر یک از انواع بافت‌های ناکارآمد شهری، به کاربرست‌پذیری بیشتر پایداری اجتماعی در فرآیند بازآفرینی این بافت‌ها کمک کند.

محدوده مورد مطالعه این پژوهش، شهر اردبیل است. اردبیل به‌دلیل تراکم قابل توجه جمعیت روستایی و هجوم بیش از حد مهاجرت از روستا به شهر، تجربه متفاوتی از زندگی بینابینی روستایی- شهری را سپری می‌کند؛ به‌طوری که بخش قابل توجهی از این جمعیت روستایی- شهری در بافت‌های ناکارآمد این شهر زندگی می‌کنند. براساس آمارهای موجود، برابر با ۹۶۳ هکتار از مساحت شهر اردبیل

نظریه شهرهای پایدار با رویکرد بازآفرینی مرتبط شده است. در نتیجه، تعاریف بازآفرینی نیز در طول زمان تکامل یافته‌اند و در حال حاضر به‌شدت تحت تأثیر مفاهیم پایداری قرار دارند. از این رو پس از مطرح‌شدن مفاهیم توسعه پایدار، برنامه‌های بازآفرینی شهری در کشورهای توسعه‌یافته، به‌طور فزاینده‌ای با تحریک فعالیت‌های اقتصادی و بهبود محیط زیست همراه با سرزندگی اجتماعی و فرهنگی در ارتباط هستند [21].

سنجش پایداری اجتماعی در سطح محله‌های شهری: برای سنجش پایداری اجتماعی، طیف گسترده‌ای از معیارها و شاخص‌ها مطرح شده است که انتخاب معیارها برحسب اهداف پژوهشی محققان متفاوت خواهد بود. اما به‌طور کلی می‌توان گفت پایداری اجتماعی در سطح محله‌های شهری، با اجزای اصلی آن یعنی کیفیت زندگی سنجیده می‌شود و مواردی مانند تامین شرایط بهتر زندگی همراه با توازن، هماهنگی، مطلوبیت و برابری عادلانه، امنیت، آسایش، نشاط، خلاقیت و زیبایی در آن لحاظ می‌شود [22]. همچنین مولفه‌هایی مانند عدالت اجتماعی، دسترسی به خدمات عمومی، مشارکت مردمی، همبستگی اجتماعی، امنیت، حس تعلق مکانی، حس مسئولیت‌پذیری، ارزش‌گذاری به سنت‌های بومی شهر و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان، از موارد پرتکرار در ادبیات پایداری اجتماعی است [23-25]. در این پژوهش به‌منظور سنجش پایداری اجتماعی در بافت‌های ناکارآمد شهری، براساس مرور مبانی نظری و پژوهش‌های انجام‌شده قبلی، ۹ مولفه کلیدی به دست آمد که به‌همراه متغیرهای آنها در شکل ۱ قابل مشاهده است.

محدوده مورد مطالعه: محدوده مورد مطالعه این پژوهش، بافت تاریخی و حاشیه‌نشین شهر اردبیل است. بافت تاریخی با مساحت ۹۲/۸ هکتار شامل ۶ محله به نام‌های عالی‌قاپو، گازران، سرچشمه، تابار، اوچ‌دکان و پیرعبدالملک است. در گذشته توسعه این محلات همواره دارای ساختار شعاعی بوده و از این رو، محله جدیدی به این بافت اضافه نمی‌شد، بلکه توسعه‌های جدید در اطراف همان محله‌های سابق امتداد می‌یافت [26]. همچنین از ۴۳ محله موجود در اردبیل، ۱۵ محله جزو محلات حاشیه‌نشین محسوب می‌شوند [27]. این محله‌ها با مساحت ۸۱۲ هکتار، ۱۲/۵٪ مساحت شهر را به خود اختصاص داده‌اند. جمعیت این محله‌ها برابر با ۹۵۳۵۲ نفر است که ۲۱/۵٪ جمعیت کل شهر را شامل می‌شود [10]. به‌طور کلی محله‌های بافت حاشیه‌نشین شهر اردبیل را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

۱- محله‌های دارای ساختار اجتماعی و کالبدی غیرمنسجم: شامل محله‌های سلمان‌آباد، اروج‌آباد، کاظم‌آباد، اسلام‌آباد، میراشرف، سیدآباد، حسین‌آباد و پناه‌آباد هستند که عمدتاً بعد از دهه ۱۳۷۰ توسط مهاجرین روستایی شکل گرفته‌اند.

۳- محله‌های دارای هسته روستایی: ۵ محله به نام‌های نیار،

معادل ۱۵٪ مساحت کل شهر را بافت‌های ناکارآمد تشکیل می‌دهند [10، 11]. هسته مرکزی و بافت تاریخی این شهر با داشتن بناها و آثار متعدد، میراث باارزشی است که در سال‌های اخیر، دچار زوال و افت کیفیت زندگی شده است [12-14]. از سوی دیگر شهر اردبیل به شکل گسترده‌ای با معضل حاشیه‌نشینی مواجه است و این معضل، جغرافیای فیزیکی شهر را به‌شدت ناهمگون ساخته است. براساس نتایج یکی از پژوهش‌ها، ۱۲۰ هزار نفر از جمعیت شهر اردبیل در مناطق حاشیه‌نشین سکونت دارند که اغلب آنها مهاجرند و ۶۵٪ مهاجران، افرادی هستند که از روستاهای اطراف استان به این منطقه کوچ کرده‌اند [15]. بنابراین، با توجه به آنچه گفته شد، در پژوهش حاضر با مطالعه تطبیقی بافت تاریخی و بافت حاشیه‌نشین شهر اردبیل به مثابه دو نوع از مهم‌ترین بافت‌های ناکارآمد شهری، نشان خواهیم داد که چه عواملی بر پایداری اجتماعی هر یک از این پهنه‌ها موثرند. در راستای این هدف، سؤالات پژوهش عبارتند از:

۱- وضعیت پایداری اجتماعی در بافت تاریخی و حاشیه‌نشین شهر اردبیل چگونه است؟

۲- چه عواملی بر پایداری اجتماعی بافت‌های ناکارآمد در شهر اردبیل موثرند؟

تعریف پایداری اجتماعی: پایداری اجتماعی به‌عنوان "مفهومی در آشفتنگی" توصیف شده است [8] و اجتماعی در تعریف آن وجود ندارد [16]. با این حال، تعاریف نزدیک‌تر به مطالعات شهرسازی، آن را یک فرآیند توسعه (یا یک فرآیند رشد) می‌دانند که در سازگاری با تکامل جامعه مدنی، تقویت محیط زیست و ایجاد محیط اجتماعی منطبق با خواسته‌های گروه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی قرار دارد و در عین حال، یکپارچگی اجتماعی را تشویق می‌کند و با بهبود کیفیت زندگی برای تمام بخش‌های جامعه همراه است [9، 16]. کاهش تنش‌های اجتماعی، برابری گروه‌های نژادی، قومی و مذهبی، حقوق انسانی، آموزش و آگاهی‌های زیست‌محیطی، ترویج نقش خانواده و اجتماعات، مشارکت و ترویج ارزش‌های اجتماعی، از محورهای اصلی این بعد از توسعه پایدار هستند [17].

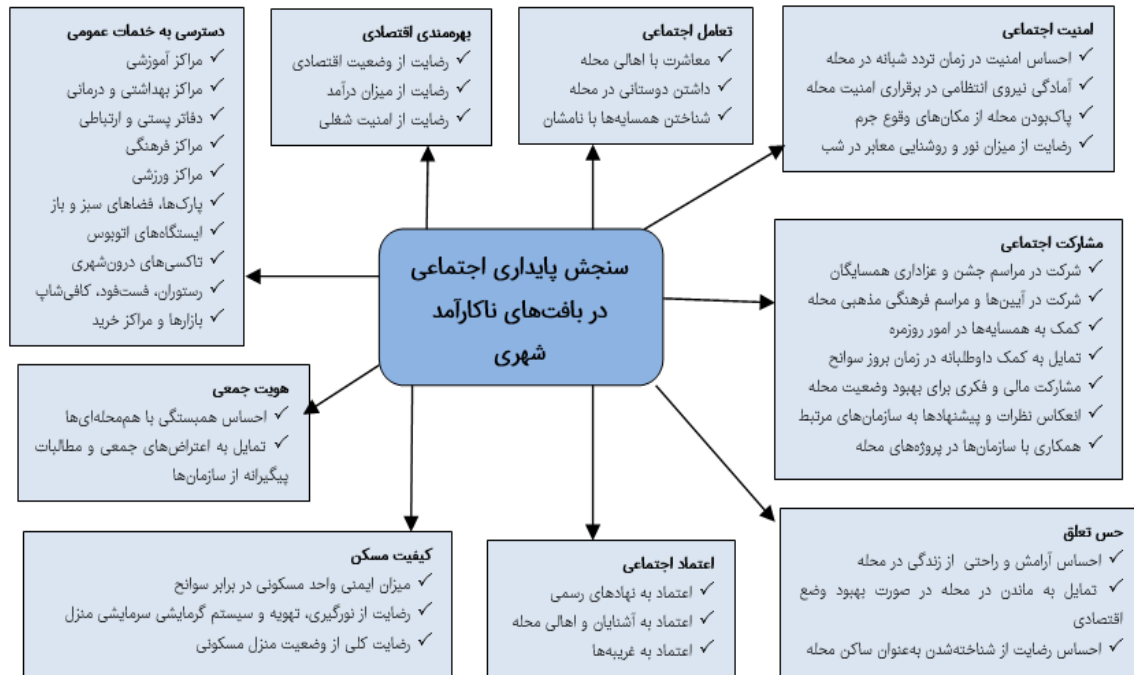
بازآفرینی و پایداری اجتماعی: واژه بازآفرینی شهری معانی متفاوتی دارد و در عمل می‌تواند طیفی از فعالیت‌های بزرگ‌مقیاس برای ارتقای رشد اقتصادی تا مداخلاتی در حد محله‌ها و واحدهای همسایگی به‌منظور ارتقای کیفیت زندگی را در بر گیرد [18]. بازآفرینی شهری فرآیندی است که به خلق فضاهای شهری جدید با حفظ ویژگی‌های اصلی فضایی (کالبدی و فعالیتی) منجر می‌شود [19]. به‌صورت کلی، بازآفرینی، نگرشی هماهنگ و گسترده و اقدامی است که به حل مسایل و مشکلات شهری منجر می‌شود و در پی ایجاد وضعیتی پایدار در اقتصاد، کالبد، اجتماع و محیط است [20]. چنانکه ملاحظه می‌کنیم، این تعریف بسیار نزدیک به تعریفی است که از توسعه پایدار رایج شده است. در واقع، توسعه پایدار نیز توسعه‌ای است که ضمن حفظ منابع نسل آینده، منجر به ایجاد محیط‌های طبیعی و انسانی متوازن، پاک و سالم می‌شود. از دهه ۱۹۹۰ به مرور،

لحاظ کردن تقسیم‌بندی سه‌گانه از محله‌های حاشیه‌نشین، از هر گروه، ۲ محله بر حسب بیشترین میزان آسیب‌پذیری، برای مطالعه موردی انتخاب شد که عبارتند از:

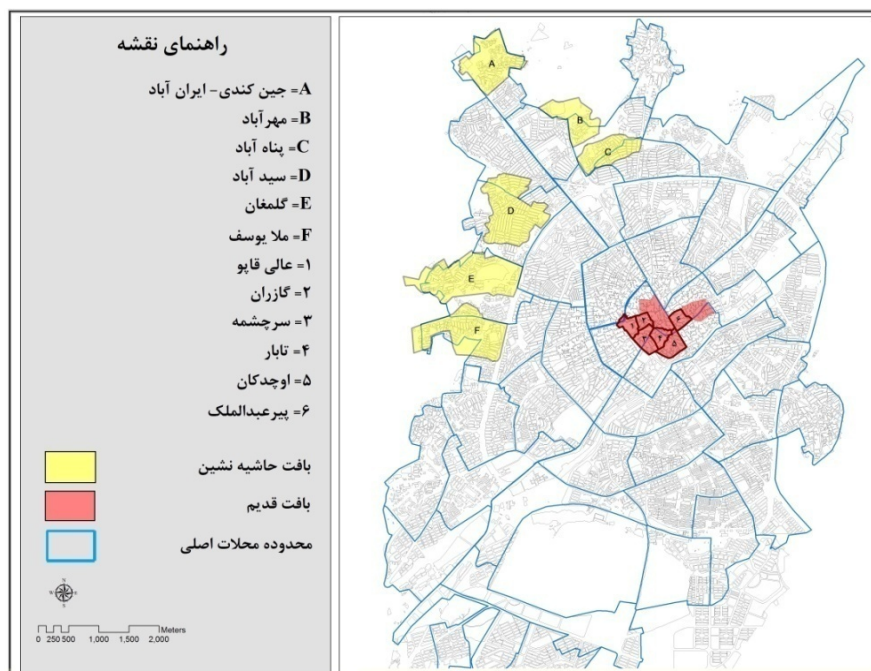
- محله‌های دارای ساختار اجتماعی و کالبدی غیرمنسجم: مهرآباد، جین‌کندی (ایران‌آباد)
- محله‌های دارای ساختار اجتماعی و کالبدی نسبتاً منسجم: پناه‌آباد، سیدآباد
- محله‌های دارای هسته روستایی: گل‌مغان، ملایوسف (شکل ۲)

گل‌مغان، کلخوران، ملاباشی و ملایوسف هستند که قبلاً جزو روستاهای پیرامون شهر بودند و به تدریج در بافت شهری اردبیل ادغام شده‌اند. این محله‌ها به دلیل هسته روستایی خود، از انسجام اجتماعی بیشتری نسبت به سایر محله‌ها برخوردارند. با این حال، به دلیل ضعف ساختارهای کالبدی خود، بسیار آسیب‌پذیرند.

محله‌های منتخب در این پژوهش، شامل محلات شش‌گانه بافت تاریخی و ۶ محله از بافت حاشیه‌نشین شهر اردبیل است. با استناد به نتایج طرح سامان‌دهی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر اردبیل و با



شکل ۱) مدل مفهومی سنجش پایداری اجتماعی در بافت‌های ناکارآمد شهری



شکل ۲) موقعیت مکانی محدوده مورد مطالعه

استفاده شد. براساس جدول ۳، بالابودن سطح معنی‌داری از سطح خطا (۰/۰۵) نشان‌دهنده نرمال‌بودن داده‌های پرسش‌نامه است و می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد.

جدول (۳) نتیجه آزمون کولموگروف- اسمیرنوف

پارامتر	مقدار
سطح معنی‌داری	۰/۴۰۴
درجه آزادی	۳۷۰
مقدار آماره	۰/۸۹۲
نتیجه آزمون	نرمال‌بودن داده‌ها و امکان استفاده از آزمون‌های پارامتریک

یافته‌ها

۱- سنجش ابعاد پایداری اجتماعی در هر یک از پهنه‌ها

برای پاسخ به سؤال اول پژوهش و سنجش میزان پایداری اجتماعی برحسب ابعاد اصلی آن، از روش T تک‌نمونه در سطح ۰/۰۵ استفاده شد. در این روش، از طریق مقایسه میانگین‌های مشاهده‌شده با میانگین نظری پرسش‌نامه، وضعیت پدیده مورد نظر ارزیابی می‌شود. در پژوهش حاضر از پرسش‌نامه پنج‌درجه‌ای لیکرت استفاده شده است. بنابراین میانگین نظری پایداری اجتماعی، عدد ۳ است. براساس نتایج ارایه‌شده در جدول ۴ و نمودار ۱ می‌توان گفت میانگین پایداری اجتماعی در هر دو محدوده پایین‌تر از حد متوسط است و این بدان معنی است که هیچ یک از محله‌ها، از نظر اجتماعی پایدار نیستند. با این حال بافت تاریخی همان طور که انتظار می‌رفت، وضعیت بهتری نسبت به بافت حاشیه‌نشین داشت. از بین ابعاد ۹ گانه پایداری اجتماعی، متغیر "تعامل اجتماعی" در هر دو محدوده بالاترین میانگین را دارد. در مقابل، ضعیف‌ترین بعد پایداری اجتماعی در بافت تاریخی مربوط به "امنیت اجتماعی" و در بافت حاشیه‌نشین مربوط به "کیفیت مسکن" ساکنان بود. در بافت تاریخی، متغیرهای "مشارکت اجتماعی"، "تعامل اجتماعی" و "هویت جمعی" بالاتر از میانگین و در حالت پایداری قرار دارند. در حالی که در بافت حاشیه‌نشین، تنها دو گوین "شرکت در مراسم جشن و عزاداری همسایه‌ها" و "تمایل به کمک‌های داوطلبانه در زمان بروز سوانح" که هر دو مربوط به مشارکت اجتماعی هستند، پایدار بودند. البته در هر دو محدوده، متغیرهای مربوط به مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی، در سطح فردی بهتر از سطح سازمانی آن بود. به‌عنوان مثال مشارکت اهالی محله‌ها با یکدیگر، بیشتر از مشارکت آنها با سازمان‌ها بود. همچنین اعتماد اهالی محل به یکدیگر، بیشتر از اعتماد آنها به نهادهای رسمی و دولتی است. همچنین در بافت حاشیه‌نشین، برخی از متغیرها مانند حس تعلق به محله، کیفیت مسکن، بهره‌مندی اقتصادی و دسترسی به خدمات عمومی، بسیار نامطلوب بوده و در وضعیت بحرانی قرار دارند. در مجموع می‌توان اذعان کرد که در بافت تاریخی شهر اردبیل، وضعیت متغیرهای دارای ماهیت اجتماعی (مانند مشارکت اجتماعی، تعامل اجتماعی، اعتماد اجتماعی و هویت جمعی) بهتر از سایر متغیرها ارزیابی شد. حتی در بافت حاشیه‌نشین نیز علی‌رغم پایین‌بودن میانگین اکثر

روش‌ها

پژوهش حاضر از جمله مطالعات کاربردی و تحلیلی است که به روش پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری تحقیق را ساکنان محله‌های منتخب در بافت تاریخی و بافت حاشیه‌نشین شهر اردبیل تشکیل می‌دهند. حجم نمونه بر طبق فرمول کوکران در سطح خطای ۰/۰۵ برابر با ۱۹۲ نفر در هر پهنه برآورد شد که برای رُندشدن تعداد نمونه، ۲۰۰ پرسش‌نامه در بین ساکنان هر محدوده با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای طبقه‌بندی‌شده توزیع شد. جدول ۱ حجم نمونه را به تفکیک هر یک از محله‌ها نشان می‌دهد. ابزار اندازه‌گیری پژوهش، یک پرسش‌نامه لیکرت پنج‌درجه‌ای با ۹ متغیر و ۳۸ گوین بود که روایی صوری و محتوایی آن توسط ۵ تن از اساتید متخصص در بافت‌های فرسوده و جامعه‌شناسی شهری تایید شد. پایایی پرسش‌نامه نیز با مطالعه ۱۵ نمونه از هر پهنه با روش آلفای کرونباخ آزمون شد. مقدار پایایی کل پرسش‌نامه ۰/۷۸ بود و برای هر یک از متغیرها طبق جدول ۲ به دست آمد.

جدول (۱) محاسبه حجم نمونه به تفکیک هر محله

محله‌ها	جمعیت سال ۱۳۹۵	تعداد نمونه
بافت تاریخی		
تایبار	۱۴۸۸	۲۵
عالی‌قاپو	۲۴۳۱	۴۰
سرچشمه	۱۵۵۴	۲۵
اوچ دکان	۲۱۲۷	۳۵
گازران	۱۸۲۳	۳۰
پیرعبدالملک	۲۷۳۵	۴۵
بافت حاشیه‌نشین		
مهرآباد	۸۵۳	۲۰
جین‌کندی	۲۸۹۴	۲۰
پناه‌آباد	۸۷۳۴	۳۵
سیدآباد	۱۶۹۶۸	۶۰
گل‌مغان	۷۸۵۸	۳۵
ملایوسف	۶۰۵۶	۳۰

جدول (۲) نتایج آزمون آلفای کرونباخ برحسب مولفه‌های پرسش‌نامه

متغیرهای اصلی	تعداد سؤالات	مقدار آلفای کرونباخ
امنیت اجتماعی	۴	۰/۷۳
مشارکت اجتماعی	۷	۰/۷۸
اعتماد اجتماعی	۳	۰/۷۱
تعامل اجتماعی	۳	۰/۷۲
هویت جمعی	۲	۰/۷۱
حس تعلق	۳	۰/۷۵
کیفیت مسکن	۳	۰/۷۴
بهره‌مندی اقتصادی	۳	۰/۷۰
دسترسی به خدمات عمومی	۱۰	۰/۷۱

برای پاسخ به سؤال نخست پژوهش، از آزمون T تک‌نمونه و برای پاسخ به سؤال دوم، از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. برای اطلاع از نرمال‌بودن ساختار داده‌ها از روش کولموگروف- اسمیرنوف

متغیرها، باز هم متغیرهای اجتماعی بهتر از سایر متغیرها بودند. این نتیجه با نتایج مطالعه نظم‌فر و همکاران^[28] در مورد شهر اردبیل همسو است. اما برخلاف نتایج پژوهش‌های مشابه که ساختار اجتماعی بافت‌های ناکارآمد را ضعیف ارزیابی کرده‌اند^[10, 15, 22, 29]، نتایج این مطالعه نشان‌دهنده انسجام نسبتاً مناسب آن در شهر

اردبیل است. ارزش‌های اجتماعی همچون کمک به همسایگان، مشارکت در زمان بروز سوانح، شرکت در مراسم جشن و عزاداری، مشارکت در مراسم آیینی و اعتماد به هم‌محله‌ای‌ها هنوز هم در بین ساکنان شهر اردبیل وجود دارد و پتانسیل‌های مناسبی را برای بازآفرینی این محله‌ها فراهم می‌کند (جدول ۴ و نمودار ۱).

جدول ۴) وضعیت ابعاد پایداری اجتماعی در بافت تاریخی و حاشیه‌نشین شهر اردبیل براساس آزمون T

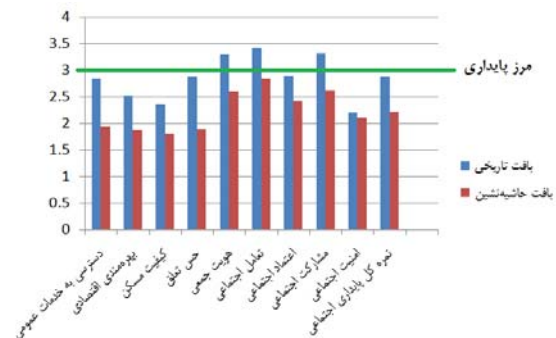
متغیرهای اصلی	گویه‌ها	بافت تاریخی		بافت حاشیه‌نشین	
		میانگین (ارزش تست: ۳)	ت	میانگین (ارزش تست: ۳)	ت
امنیت اجتماعی	احساس امنیت در زمان تردد شبانه در محله	۲/۲۶	-۸/۳۱۵	۲/۲۹	-۱۲/۹۸۲
	آمادگی نیروی انتظامی در برقراری امنیت محله	۲/۱۸	-۱۰/۴۴۶	۱/۷۰	-۲۳/۱۶۸
	پاک‌بودن محله از مکان‌های وقوع جرم	۲/۳۰	-۸/۲۱۷	۲/۹۴*	-۱/۷۷۹
	رضایت از میزان نور و روشنایی معابر محله در شب	۲/۰۶	-۱۲/۸۳۸	۱/۷۶	-۱۹/۰۵۱
مشارکت اجتماعی	شرکت در مراسم جشن و عزاداری همسایگان و هم‌محله‌ای‌ها	۳/۷۹**	۱۰/۵۵۵	۳/۳۰**	۳/۳۸۳
	شرکت در آیین‌ها و مراسم فرهنگی مذهبی محله	۳/۴۶**	۵/۴۷۳	۲/۸۶*	-۱/۴۳۷
	کمک به همسایگان و هم‌محله‌ای‌ها در امور روزمره	۳/۵۴**	۶/۰۱۴	۲/۹۰*	-۱/۲۴۲
	تمایل به کمک داوطلبانه در زمان بروز سوانح	۳/۴۴**	۵/۱۲۵	۳/۱۹**	۲/۳۳۱
	مشارکت فعال مالی و فکری با اهالی برای بهبود وضعیت محله	۲/۷۳*	-۲/۹۵۰	۱/۹۹	-۱۶/۲۷۰
	انعکاس نظرات و پیشنهادات به سازمان‌های مرتبط	۳/۴۴**	۵/۱۲۵	۱/۷۹	-۱۸/۲۳۶
	همکاری با سازمان‌ها در پروژه‌های بهبود وضعیت محله	۲/۸۶*	-۱/۵۴۳	۲/۲۴	-۸/۹۸۹
اعتماد اجتماعی	اعتماد به نهادهای رسمی	۲/۶۴*	-۴/۲۹۷	۱/۶۶	-۲۳/۵۵۸
	اعتماد به آشنایان و هم‌محله‌ای‌ها	۳/۳۳**	۳/۶۳۲	۲/۸۸*	-۱/۴۵۶
	اعتماد به غریبه‌ها	۲/۶۸*	-۳/۵۳۲	۲/۷۲*	-۳/۲۰۳
تعامل اجتماعی	معاشرت با اهالی محله	۳/۴۷**	۵/۴۱۷	۲/۹۶*	-۰/۴۸۸
	داشتن دوستانی در محله	۳/۳۷**	۴/۱۶۴	۲/۸۴*	-۱/۷۳۵
	میزان شناختن همسایه‌ها با نامشان	۳/۴۰**	۴/۸۰۶	۲/۷۲*	-۲/۶۹۰
هویت جمعی	احساس همبستگی با هم‌محله‌ای‌ها	۳/۵۳**	۶/۵۶۳	۲/۵۵*	-۴/۲۵۴
	تمایل به اعتراض‌های جمعی و مطالبات پیگیرانه	۳/۰۷**	۰/۶۸۵	۲/۶۹*	-۳/۳۴۹
حس تعلق	احساس آرامش و راحتی از زندگی در محله	۲/۲۱	-۹/۲۹۷	۱/۷۳	-۱۹/۱۱۹
	تمایل به ماندن در محله در صورت بهبود وضعیت اقتصادی	۲/۲۱	۲/۳۵۵	۱/۹۲	-۱۸/۰۲۲
	احساس رضایت از شناخته‌شدن به‌عنوان ساکن این محله	۳/۲۱**	۲/۲۷۳	۲/۰۱	-۱۱/۹۷۱
کیفیت مسکن	میزان ایمنی واحد مسکونی در برابر سوانح	۲/۳۳	-۷/۳۶۵	۱/۸۰	-۱۷/۵۹۸
	رضایت از نورگیری، تهویه و سیستم گرمایشی و سرمایشی منزل	۲/۳۹	-۶/۱۱۷	۱/۷۳	-۱۹/۴۸۹
	رضایت کلی از وضعیت منزل مسکونی	۲/۳۶	-۷/۰۷۶	۱/۸۷	-۱۵/۸۹۴
بهره‌مندی اقتصادی	رضایت از وضعیت اقتصادی خانواده	۲/۷۶*	۲/۶۹۴	۱/۷۱	-۲۳/۲۷۱
	رضایت از میزان درآمد	۲/۷۸*	-۲/۳۲۲	۱/۹۱	-۲۴/۱۸۳
	رضایت از امنیت شغلی در وضع کنونی	۲/۰۱	-۱۵/۶۹۱	۲/۰۱	-۱۶/۱۶۵
دسترسی به خدمات عمومی	دسترسی به مراکز آموزشی	۲/۶۲*	-۴/۳۹۳	۱/۶۶	-۲۱/۴۵۲
	دسترسی به مراکز بهداشتی و درمانی	۳/۲۵**	۲/۴۸۶	۱/۷۲	-۱۹/۲۷۴
	دسترسی به دفاتر پستی و ارتباطی	۳/۵۱**	۶/۷۸۳	۲/۳۸	-۶/۶۲۶
	دسترسی به مراکز فرهنگی	۲/۵۲*	-۶/۱۵۱	۲/۴۴	-۷/۲۱۰
	دسترسی به مراکز ورزشی	۲/۵۸*	-۵/۳۰۷	۱/۷۴	-۱۹/۴۳۸
	دسترسی به پارک‌ها، فضاهای سبز و باز	۲/۵۹*	-۴/۸۹۲	۱/۸۰	-۱۸/۱۹۰
	دسترسی به ایستگاه‌های اتوبوس	۲/۶۶*	-۴/۳۴۳	۱/۸۶	-۱۶/۱۱۱
	دسترسی به تاکسی‌های عمومی درون‌شهری	۲/۶۴*	-۳/۹۰۴	۱/۷۴	-۱۹/۹۱۸
	دسترسی به رستوران، فست‌فود، کافی‌شاپ	۲/۷۱*	-۲/۹۰۳	۲/۰۱	-۱۲/۱۰۷
	دسترسی به بازارها و مراکز خرید	۳/۳۳**	۳/۶۹۹	۲/۰۳	-۱۲/۹۲۵

**دارای وضعیت مطلوب؛ *دارای وضعیت نسبتاً مطلوب

شرکت در مراسم جشن و عزاداری همسایگان است. عامل سوم، شرایط اقتصادی ساکنان بافت است و مهم‌ترین متغیر آن، رضایت از وضعیت اقتصادی خانواده است. در نهایت، عامل آخر، به تعامل مردم و نهادها (سازمان‌ها و ارگان‌ها) مربوط می‌شود که مهم‌ترین متغیر آن عبارت است از انعکاس نظرات و پیشنهادهای به سازمان‌های مرتبط برای بهبود وضعیت محله.

تحلیل عاملی ضمن خلاصه‌سازی و دسته‌بندی متغیرها، ارتباطات جدیدی را بین متغیرهای تحقیق روشن ساخت. پس از تلخیص متغیرها، مشخص شد که متغیرهای مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، تعامل اجتماعی و هویت جمعی می‌توانند در ذیل مفهوم کامل‌تری به نام سرمایه اجتماعی قرار گیرند. به‌طوری‌که در هر دو پهنه مورد مطالعه، سرمایه اجتماعی با تفاوت‌های جزئی در متغیرها، تشکیل یک عامل مستقل را می‌دهد. برخی از مطالعات موجود، به نقش کلیدی سرمایه اجتماعی در تحقق پایداری اجتماعی محله‌های شهری اشاره کرده‌اند. محمدی و همکاران^[29] نشان دادند که رابطه مستقیمی بین سرمایه اجتماعی و کیفیت کالبدی در یکی از محله‌های حاشیه‌نشین شهر اردبیل وجود دارد. همچنین مطالعه *نظم‌فر و عطار*^[31] روی بافت‌های فرسوده شهر اردبیل نشان می‌دهد که میزان سرمایه اجتماعی عامل مهمی در مشارکت ساکنان برای نوسازی و بازآفرینی آن است.

در هر دو محدوده، متغیرهای مربوط به امنیت و ایمنی با متغیرهای مربوط به وضعیت مسکن در یک طبقه قرار گرفته‌اند که حاکی از همبستگی این دو گروه از شاخص‌ها است. همچنین میزان ماندگاری در محله با وضعیت اقتصادی ساکنان ذیل یک عامل قرار گرفته است. نکته مهم این است که در هر دو محدوده، وضعیت اقتصادی ساکنان بر تمایل آنها به ماندن در محله تأثیرگذار بود. پژوهش‌های مشابه نیز موید وجود چنین رابطه‌ای بین این دو مولفه هستند. پایین‌بودن سطح درآمد خانوارها، نوع فعالیت اقتصادی غیررسمی، ارزانی قیمت زمین و مسکن و به‌ویژه پایین‌بودن اجاره‌خانه از عوامل موثر بر مهاجرت اقشار کم‌درآمد به حاشیه شهرها است^[32]. با توجه به ضرایب همبستگی این دو متغیر، در بافت تاریخی، تمایل به ماندن $0/63$ با وضعیت اقتصادی خانواده و $0/61$ با میزان درآمد ساکنان همبستگی دارد و هر دو در سطح $0/05$ معنی‌دار هستند؛ یعنی با بهبود وضعیت اقتصادی خانواده‌ها، تمایل آنها به زندگی در محله کاهش می‌یابد که این نتیجه با نتایج پژوهش حسینی^[33] همسو است. اما ارتباط این دو متغیر در بافت حاشیه‌نشین مثبت بود و با بهبود وضعیت اقتصادی ساکنان، تمایل آنها به ماندن در محله افزایش می‌یابد. تعامل با نهادها از دیگر عوامل موثر بر پایداری اجتماعی است که تنها در بافت حاشیه‌نشین شناسایی شد. متغیرهای این عامل در بافت تاریخی، در زیرمجموعه سرمایه اجتماعی و کیفیت محیطی قرار گرفته‌اند. اما در بافت حاشیه‌نشین به دلیل همبستگی بالای متغیرها، تشکیل یک عامل مستقل را داده‌اند. این عامل به‌ویژه از آن جهت اهمیت دارد که یکی از چالش‌های عمده تحقق پایداری اجتماعی در فرآیند بازآفرینی



نمودار ۱) مقایسه وضعیت پایداری اجتماعی در بافت تاریخی و بافت حاشیه‌نشین شهر اردبیل

۲- تحلیل عوامل موثر بر پایداری اجتماعی در هر یک از پهنه‌ها

سؤال دوم پژوهش این بود که چه عواملی بر پایداری اجتماعی پهنه‌های مورد مطالعه اثرگذار هستند؟ در راستای پاسخگویی به این سؤال از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. عمده‌ترین هدف استفاده از این روش، کاهش حجم داده‌ها و تقلیل متغیرها به تعدادی عامل اصلی است. برای اطمینان از کفایت داده‌ها، آزمون KMO و بارتلت انجام شد. با توجه به جدول ۵، بالاتر بودن مقدار عددی KMO از $0/76$ و معنی‌دار بودن آماره بارتلت در سطح کمتر از $0/05$ ^[30] نشان‌دهنده کفایت داده‌های پژوهش برای تحلیل عاملی است.

پس از انجام تحلیل عاملی، متغیرهای مورد بررسی به ۴ عامل تقلیل داده شدند که در مجموع بین ۶۳ تا ۶۸٪ واریانس متغیر وابسته یعنی پایداری اجتماعی را تبیین می‌کنند. با توجه به همبستگی درونی متغیرها، از ۳۸ متغیر موجود در پرسش‌نامه، ۳۳ متغیر در بافت تاریخی و ۳۱ متغیر در بافت حاشیه‌نشین در تحلیل عاملی وارد شدند. روش به‌کاررفته در چرخش عامل‌ها، روش متعامد به شیوه واریماکس بود و معنی‌داری بارهای عاملی $0/5$ در نظر گرفته شد که بدین ترتیب، متغیرهای دارای بار عاملی کمتر از $0/5$ از تحلیل حذف شدند (جدول ۶).

جدول ۷ عوامل اصلی و بارهای عاملی را در هر یک از پهنه‌ها نشان می‌دهد. در بافت تاریخی، عامل اول با مقدار ویژه $9/079$ بیشترین میزان واریانس کل ($27/012\%$) را تبیین کرده و مهم‌ترین متغیر این عامل، شرکت در آیین‌ها و مراسم فرهنگی مذهبی محله با بار عاملی $0/969$ است. به دلیل شباهت متغیرهای این عامل، نام سرمایه اجتماعی برای آن انتخاب شد. عامل دوم دسترسی به خدمات عمومی بود که مهم‌ترین متغیر آن دسترسی به مراکز آموزشی است. عامل سوم، با مقدار ویژه $6/490$ کیفیت محیطی نام‌گذاری شد و مهم‌ترین متغیر آن، رضایت از میزان نور و روشنایی معابر در شب بود. نهایتاً عامل چهارم، تعلق و ماندگاری نام‌گذاری شد که مهم‌ترین متغیر آن، تمایل به ماندن در محله در صورت بهبود وضعیت اقتصادی است (جدول ۷).

در بافت حاشیه‌نشین نیز نخستین عامل، برخورداری از امکانات رفاهی و زیرساختی بود که $27/835\%$ واریانس کل را تبیین می‌کند. مهم‌ترین متغیر این عامل، دسترسی به مراکز بهداشتی و درمانی است. عامل دوم سرمایه اجتماعی است و مهم‌ترین متغیر آن،

بافت‌های ناکارآمد، نحوه تعامل میان ساکنان و نهادهای است و تاکنون پژوهش‌های زیادی در این ارتباط انجام شده است [38-6]. برای تکمیل فرآیند تحلیل داده‌ها از روش رگرسیون خطی به شیوه همزمان استفاده شد تا مشخص شود که ضریب اثر هر یک از عوامل بر پایداری اجتماعی کل چقدر است. براساس نتایج تحلیل رگرسیون که موید نتایج تحلیل عاملی نیز هست، می‌توان گفت مهم‌ترین عامل موثر بر پایداری اجتماعی در بافت حاشیه‌نشین، سرمایه اجتماعی است که توسط متغیرهایی مانند تعاملات اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و هویت جمعی توضیح داده می‌شود. این متغیر به تنهایی می‌تواند ۷۳٪ پایداری اجتماعی را در بافت تاریخی اردبیل پیش‌بینی کند. در مقابل، مهم‌ترین عامل موثر بر پایداری اجتماعی در بافت حاشیه‌نشین، برخورداری از امکانات رفاهی و زیرساختی است که توسط متغیرهایی مانند وضعیت مسکن، دسترسی به خدمات عمومی و امنیت تبیین می‌شود. این متغیر نیز قادر است تا ۶۸٪ تغییرات پایداری اجتماعی را پیش‌بینی نماید (جدول ۸).

جدول ۷) متغیرهای بارشده بر هر عامل و مقدار بارهای عاملی بعد از دوران ماتریس

بافت تاریخی		بافت حاشیه‌نشین	
عامل	گویه‌ها	عامل	گویه‌ها
سرمایه اجتماعی	شرکت در مراسم جشن و عزاداری همسایگان و هم‌محله‌ای‌ها	برخوردار از امکانات رفاهی و زیرساختی	رضایت از میزان نور و روشنایی معابر محله در شب
	شرکت در آیین‌ها و مراسم فرهنگی مذهبی محله		احساس آرامش و راحتی از زندگی در محله
	کمک به همسایگان و هم‌محله‌ای‌ها در امور روزمره		میزان ایمنی واحد مسکونی در برابر سوانح
	تمایل به کمک داوطلبانه در زمان بروز سوانح		رضایت از نورگیری، تهویه و سیستم گرمایشی و سرمایشی منزل
	مشارکت فعال مالی و فکری با اهالی برای بهبود وضعیت محله		رضایت کلی از وضعیت منزل مسکونی
	انعکاس نظرات و پیشنهادهای به سازمان‌های مرتبط		دسترسی به مراکز آموزشی
	همکاری با سازمان‌ها در پروژه‌های بهبود وضعیت محله		دسترسی به مراکز بهداشتی و درمانی
	اعتماد به نهادهای رسمی		دسترسی به مراکز ورزشی
	اعتماد به آشنایان و هم‌محله‌ای‌ها		دسترسی به پارک‌ها، فضاهای سبز و باز
	معاشرت با اهالی محله		دسترسی به ایستگاه‌های اتوبوس
دسترسی به خدمات عمومی	داشتن دوستانی در محله	سرمایه اجتماعی	دسترسی به تاکسی‌های عمومی درون‌شهری
	شناختن همسایه‌ها با نامشان		دسترسی به رستوران، فست‌فود، کافی‌شاپ
	احساس همبستگی با هم‌محله‌ای‌ها		دسترسی به بازارها و مراکز خرید
	دسترسی به مراکز آموزشی	شرایط اقتصادی	شرکت در مراسم جشن و عزاداری همسایگان و هم‌محله‌ای‌ها
	دسترسی به مراکز بهداشتی و درمانی		شرکت در آیین‌ها و مراسم فرهنگی مذهبی محله
	دسترسی به مراکز فرهنگی		کمک به همسایگان و هم‌محله‌ای‌ها در امور روزمره
	دسترسی به مراکز ورزشی		تمایل به کمک داوطلبانه در زمان بروز سوانح
	دسترسی به پارک‌ها، فضاهای سبز و باز		اعتماد به آشنایان و هم‌محله‌ای‌ها
	دسترسی به ایستگاه‌های اتوبوس		معاشرت با اهالی محله
	دسترسی به رستوران، فست‌فود، کافی‌شاپ		داشتن دوستانی در محله
	دسترسی به بازارها و مراکز خرید		شناختن همسایه‌ها با نامشان
	احساس امنیت در زمان تردد شبانه در محله		احساس همبستگی با هم‌محله‌ای‌ها
	آمادگی نیروی انتظامی در برقراری امنیت محله		تمایل به اعتراض‌های جمعی و مطالبات پیگیرانه
کیفیت محیطی	پاک‌بودن محله از مکان‌های وقوع جرم	تفاعل نهایی	تمایل به ماندن در محله در صورت بهبود وضعیت اقتصادی
	رضایت از میزان نور و روشنایی معابر محله در شب		رضایت از وضعیت اقتصادی خانواده
	احساس آرامش و راحتی از زندگی در محله		رضایت از میزان درآمد
	میزان ایمنی واحد مسکونی در برابر سوانح		رضایت از امنیت شغلی در وضع کنونی
تعلق و ماندگاری	رضایت از نورگیری، تهویه و سیستم گرمایشی و سرمایشی منزل	تعلق و ماندگاری	انعکاس نظرات و پیشنهادهای به سازمان‌های مرتبط
	رضایت کلی از وضعیت منزل مسکونی		همکاری با سازمان‌ها در پروژه‌های بهبود وضعیت محله
	تمایل به ماندن در محله در صورت بهبود وضعیت اقتصادی		اعتماد به نهادهای رسمی
	احساس رضایت از شناخته‌شدن به‌عنوان ساکن این محله		آمادگی نیروی انتظامی در برقراری امنیت محله

جدول ۵) آزمون KMO و بارتلت (سطح معنی‌داری برابر ۰/۰۰ است)

محدوده مورد مطالعه	بافت تاریخی	بافت حاشیه‌نشین
تعداد نمونه	۱۸۰	۱۹۱
مقدار KMO	۰/۷۷۱	۰/۸۷۵
مقدار بارتلت	۳۲۱۹/۰۹	۴۲۲۴/۴۰

جدول ۶) عوامل استخراج‌شده همراه مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی

عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
بافت تاریخی			
اول	۹/۰۷۹	۲۷/۵۱۲	۲۷/۵۱۲
دوم	۶/۱۱۰	۱۸/۵۱۶	۴۶/۰۲۸
سوم	۴/۴۹۵	۱۳/۶۲۲	۵۹/۶۵۰
چهارم	۲/۷۸۰	۸/۴۲۵	۶۸/۰۷۵
بافت حاشیه‌نشین			
اول	۸/۶۲۹	۲۷/۸۳۵	۲۷/۸۳۵
دوم	۵/۵۹۲	۱۸/۰۴۰	۴۵/۸۷۴
سوم	۲/۹۵۳	۹/۵۲۶	۵۵/۴۰۰
چهارم	۲/۵۴۵	۸/۲۰۸	۶۳/۶۰۸

محدوده	متغیرهای پیش‌بین	ضریب Beta	مقدار t	ضریب R ²	مقدار F	df	سطح معنی‌داری
بافت تاریخی	سرمایه اجتماعی	۰/۷۳۶	۳۴/۵۹	۰/۹۲۵	۵۴۱/۲۹	۱۷۹	۰/۰۰۰
	کیفیت محیطی	۰/۴۵۰	۲۱/۳۸				
	دسترسی به خدمات عمومی	۰/۶۲۵	۲۹/۹۰				
	تعلق و ماندگاری	۰/۱۶۰	۷/۶۸				
بافت حاشیه‌نشین	امکانات رفاهی و زیرساختی	۰/۶۸۷	۷۳/۱۱	۰/۹۸۴	۲۹۴۴/۰۶	۱۹۰	۰/۰۰۰
	سرمایه اجتماعی	۰/۶۱۰	۶۶/۵۴				
	شرایط اقتصادی	۰/۱۱۳	۱۲/۰۵				
	تعامل نهادی	۰/۲۰۳	۲۲/۰۳				

نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر این بود که ضمن مقایسه وضعیت پایداری اجتماعی در دو بافت تاریخی و حاشیه‌نشین شهر اردبیل به مثابه دو نوع از بافت‌های ناکارآمد شهری، نشان دهد عوامل موثر بر پایداری اجتماعی در هر یک از این دو پهنه متفاوت از دیگری است. این تفاوت بیشتر ناشی از ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و کالبدی متفاوت این دو نوع پهنه شهری است. تفاوت در ارزش‌های سکونتی، وضعیت اقتصادی و پایگاه اجتماعی افراد ساکن در این دو بافت، ضرورت نگاه مجزا و ویژه به هر یک از این دو محدوده را ایجاب می‌کند. پایداری اجتماعی به دلیل دارا بودن شاخص‌های جامع و کامل، می‌تواند تبیین‌کننده کیفیت زندگی در محله‌های شهری باشد. ارزیابی وضعیت پایداری اجتماعی، به محققان و شهرسازان کمک می‌کند تا نمایی کامل از کیفیت زندگی شهری را برای برنامه‌ریزی‌های آتی ترسیم کنند. همچنین ادغام پایداری اجتماعی در فرآیند بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد شهری، می‌تواند موجب ارتقای ظرفیت‌های اجتماعی ساکنان این بافت‌ها شود و توانایی ساکنان این محله‌ها را در جهت کاربرد منابع محیطی، اقتصادی و اجتماعی متناسب با اهداف توسعه پایدار ارتقا دهد. از این رو، توجه به پایداری اجتماعی و سنجش آن در بافت‌های ناکارآمد شهری، پیش‌شرطی اساسی برای عملیاتی‌سازی طرح‌های بازآفرینی است. بنابراین ضروری است قبل از انجام مطالعات بازآفرینی شهری در این بافت‌ها، سطح پایداری اجتماعی آنها سنجیده شود. این کار کمک می‌کند تا مسایل و مشکلات کلیدی این بافت‌ها شناسایی شود و در نهایت رویکرد مداخله‌ای مناسب برای توانمندسازی و بازآفرینی انتخاب شود.

نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش روشن ساخت که بافت‌های ناکارآمد در شهر اردبیل در وضعیت کنونی، علی‌رغم تمام کمبودها و نارسایی‌ها، واجد پتانسیل‌های اجتماعی قوی‌ای برای تحقق‌پذیری پایداری اجتماعی هستند. این مطالعه با آشکارسازی نقاط قوت و ضعف هر یک از پهنه‌های مورد مطالعه در معیارهای پایداری اجتماعی، نشان داد که تحقق پایداری اجتماعی به‌عنوان مقوله‌ای محلی و خرد، در هر یک از این دو پهنه شهری، الزامات خاص خود را می‌طلبد. این الزامات برای بافت تاریخی شامل تقویت جنبه‌های اجتماعی، بهبود دسترسی به خدمات عمومی و تقویت حس تعلق

به محله است. در حالی که در بافت حاشیه‌نشین، به تقویت زیرساخت‌ها و امکانات رفاهی، بهبود وضعیت اقتصادی- معیشتی ساکنان و بهبود کیفیت مسکن مربوط می‌شود. بنابراین توجه به الزامات محلی پایداری اجتماعی در فرآیند بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد شهری، حلقه مفقوده این فرآیند است که می‌تواند در پژوهش‌های آتی مورد توجه محققان قرار گیرد.

تشکر و قدردانی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

تأییدیه اخلاقی: نویسندگان مقاله متعهد می‌شوند که این مقاله تاکنون در هیچ نشریه فارسی یا زبان دیگری منتشر نشده است، و تمامی حقوق و منافع آن به فصلنامه علمی- پژوهشی نقش جهان منتقل می‌شود.

تعارض منافع: موردی از سوی نویسنده گزارش نشده است.

سهم نویسندگان: جواد جوان مجیدی (نویسنده اول)، نگارنده مقاله/پژوهشگر اصلی (۵۰٪)؛ محمد مسعود (نویسنده دوم)، روش‌شناس/پژوهشگر اصلی (۲۵٪)؛ قاسم مطلبی (نویسنده سوم)، روش‌شناس/پژوهشگر اصلی (۲۵٪)

منابع مالی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

منابع

- 1- Pourahmad A, Keshavarz M, Aliakbari I, Hadavi F. Sustainable regeneration urban distressed area, case study: (district 10, Tehran city). J Environ Stud. 2017;10(37):167-94. [Persian]
- 2- Habibi SM, Maghsoudi M. Urban restoration. 3rd Edition. Tehran: University of Tehran Press; 2007. [Persian]
- 3- Sedaghat Rostami K, Etemad G, Bidram R, Mullaz J. Drawing up some indexes to recognizing blighted fabrics. J Spatial Plann. 2011;1(1):103-20. [Persian]
- 4- Darchen S, Ladouceur E. Social sustainability in urban regeneration practice: A case study of the Fortitude Valley Renewal Plan in Brisbane. Aust Plann. 2013;50(4):340-50.
- 5- Eastaway MP, Solsona MS. What do we understand by a sustainable urban regeneration process? Visions about the future of restructured housing estates in Spain. 2012.
- 6- Colantonio A, Dixon T. Urban regeneration & social sustainability: best practice from European cities. Oxford, UK: Wiley-Blackwell; 2011.
- 7- Glasson J, Wood G. Urban regeneration and impact assessment for social sustainability. Impact Assess Proj Appr. 2009;27(4):283-90.
- 8- Dempsey N, Bramley G, Power S, Brown C. The social

- 2018;180:748-68.
- 24- Colantonio A. Social sustainability; a review and critique of traditional versus emerging themes and assessment methods. In: Horner M, Price A, Bebbington J, Emmanuel R, editors. SUE-Mot Conference 2009: Second International Conference on Whole Life Urban Sustainability and its Assessment: conference proceedings. Loughborough: Loughborough University; 2009. p. 865-85.
- 25- Cauvain, E. Social sustainability as a challenge for urban scholars. City. 2018;22(4):595-603.
- 26- Rezazadeh Ardebili M, Peighami L. A solution for designing the interventions in historical areas based on studying the historical (case study: Ardebil). J Fine Arts Archit Urban Dev. 2009;1(38):73-84. [Persian]
- 27- Mohammadi A, Pashazadeh A. Measuring the sustainability level of Ardebil neighborhoods, with an emphasis on rural based neighborhoods. Urban Stud. 2014;3(11): 49-62. [Persian]
- 28- Nazmfar H, Veisian M, Mohammadi S. Study and test urban social sustainability using the Cooper's model and Lisrel software. Case study: Ardebil city. Urban Res Plann. 2018;9(33):33-48. [Persian]
- 29- Mohammadi A, Saadipour M, Arzhangi Mustaali Biglu H. The role of social capital in the development of comparative study sites: neighborhoods of Neyar and Sabalan in Ardebil. Urban Sociol Stud. 2018;8(26):161-90. [Persian]
- 30- Howard MC. A review of exploratory factor analysis decisions and overview of current practices: what we are doing and how can we improve. Int J Hum Comput Interact. 2016;32(1):51-62.
- 31- Nazmfar H, Attar MA. The role of social capital on the participation of residents in refurbishment of deserted urban texture: an Ardabil city wasting texture. Geogr Urban Region Plann. 2014;4(12):51-66. [Persian]
- 32- Jalili Sadraabad S, Shi'a I, Behzadfar M. Identifying the factors affecting social-spatial separation; a case study of Fadak and Kerman districts located in district 8 of Tehran municipality. Naghsh-e Jahan. 2018;8(1):17-23. [Persian]
- 33- Hosseini SH. Analysis and evaluation of social sustainability level in Nowshahr City. Geogr Environ Sustain. 2014;4(3):57-71. [Persian]
- 34- Landorf C. Evaluating social sustainability in historic urban environments. Int J Heritage Stud. 2011;17(5):463-77.
- 35- Zarei J. Explaining the pattern of integrated management of sustainable urban recovery in exhausted texts. Case study: Ahwaz metropolis [Dissertation]. Ahwaz: Shahid Chamran University of Ahwaz; 2018. [Persian]
- 36- Firozi MA, Amanpour S, Zarei J. Analysis of inter-institutional relationships in managing sustainable urban regeneration of blight areas (Case study: the city of Ahvaz). Urban Stud. 2018;8(29):19-30. [Persian]
- 37- Izadi P, Hadiyani Z, Hajinejad A, Qaderi J. Explanation the pattern of culture-led regeneration with emphasis on institutional approach. J Interdiscip Stud Hum. 2017;9(2):163-87. [Persian]
- 38- Kalantari Khalilabad H, Pourahmad A, Mousavi SR, Shiripour M. Institutional challenges in sustainable urban regeneration. Haft Shahr. 2014;4(47-48):112-21. [Persian]
- dimension of sustainable development: Defining urban social sustainability. Sustain Dev. 2011;19(5):289-300.
- 9- Polèse M, Stren R, editors. The social sustainability of cities: diversity and the management of change. Toronto: University of Toronto Press; 2000.
- 10- Nazmfar H, Pashazadeh A. Assessing the sustainability of residential neighborhoods in peri-urban areas (case study: Ardabil City). Geogr Environ Plann. 2018;29(1):43-64. [Persian]
- 11- Heydari M. Urban new faces of Ardebil province required to revive social and economic life of the provinces [Internet]. Tehran: IRNA; 2017 [cited 2019 May 29]. Available from: <https://www.irna.ir/news/82584190/>. [Persian]
- 12- Aram N, Javan Majidi J. Present architectural design patterns of Ardebil city with a social sustainability approach using the SWOT model. Shabak. 2018;35:11-24. [Persian]
- 13- Imani B, Judi Gollar P, Heidarvand M. Investigating the role of indicators of sustainable urban development in managing downgraded areas (case study: Ali Ghapoo area in Ardebil). Urban Plann Geogr. 2018;6(4):717-33. [Persian]
- 14- Jahanzamin Y. Recovering and preserving the identity of historical neighborhoods and their role in sustainable urban development with the approach of community-based programs (religious rituals) - Case study: Sixth Neighbourhood of Ardebil city [Dissertation]. Isfahan: Isfahan Art University; 2015. [Persian]
- 15- Darvishi Y. The marginalization and its role in the development and spread of narcotics and addiction (Case study: Ardabil city). Hum Geogr Res. 2014;46(3):603-14. [Persian]
- 16- Grieco M. Social sustainability and urban mobility: shifting to a socially responsible pro-poor perspective. Soc Respons J. 2015;11(1):82-97.
- 17- Aalinasab MA, Souzanchi K. Sustainable development of urban River Valley based on ecological assessment (Case study: Darabad River Valley, Tehran). Naghsh-e Jahan. 2013;3(2):51-61. [Persian]
- 18- Bahraini SH, Izadi MS, Mofidi M. Urban renewal approaches and policies (from reconstruction to sustainable urban regeneration). Urban Stud. 2013;3(9):17-30. [Persian]
- 19- Roberts P. The evolution, definition and purpose of urban regeneration. In: Roberts P, Syke H, Granger R, editors. Urban regeneration. London: British Urban Regeneration Association, SAGE Publications; 2000. p. 9-36.
- 20- Pourjafar MR, Dehghani F. Role of cultural landscapes regeneration in the enhancement of the quality of citizen life (case study: Zandieh Complex of Shiraz). Naghsh-e Jahan. 2011;1(1):81-94. [Persian]
- 21- Razzaghi Asl S, Khoshghadam F. Measuring the improvement of social sustainability in recreating from the perspective of residents - case study: Shiva District of Tehran. Urban Stud. 2017;6(22):59-74. [Persian]
- 22- Tavana M, Nourian F. Measuring social sustainability in dispersed neighborhoods (Case study: Shadabad District of Tehran). Hum Geogr Res. 2018;49(4):885-900. [Persian]
- 23- Popovic T, Barbosa-Povoa A, Kraslawski A, Carvalho A. Quantitative indicators for social sustainability assessment of supply chains. J Clean Product.